

بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى

عنوان درس:	درس خارج فقه الصلاة	سال تحصیلی: 1399-1400	تاریخ درس:	1399/9/1
عنوان فرعی 1	فقه الصلاة			
عنوان فرعی 2	جلسه 30			
عنوان فرعی 3	شروط التقصیر			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین سجاد آریس و اصغر حیدری			

### خلاصه بحث گذشته

بحث ما در استدلالاتی بود که در زمینه‌ی مسافت معلقه از سوی میرزای نائینی و مرحوم خوئی قدس سریهما برای اثبات اینکه در مسافت معلقه ثمانیه فراسخ شرط این است که برید ذاهبا و برید جائیا باشد؛ نه به هر نوع از انواع تلفیق بلکه باید تلفیق به نحوی باشد، که ذهاب کمتر از برید نباشد و ایاب هم کمتر از برید نباشد؛ در مقابل مرحوم نائینی و خوئی رحمه الله علیهما نظرات دیگری وجود دارد که مسافت تلفیقی را بر مطلق تلفیق حمل می کنند چون که ما معتقدیم که چه آن که ذهاب برید باشد یا کمتر باشد، ولی ایاب بیش از برید باشد به طوری که در مجموع ثمانیه فراسخ تأمین شود. حالا ایاب یا ذهاب هر کدام که کمتر از برید باشند اینها برای مساله تلفیق مضر نیست. و کسانی که در ذهاب شرط اربعه فراسخ می کنند ولی می گویند ایاب کمتر از این نباشد اشکالی ندارد و تنها باید ذهاب کمتر از 4 فرسخ نباشد.

ما با بیان اشکالی که بر وجه مبتدای مرحوم خوئی و نائینی وارد می کنیم جواب آنها هم داده می شود.

گفتیم مجموع فرمایشات آیت الله خوئی و نائینی به سه دلیل برای اثبات اینکه تلفیق باید با این قید باشد تمسک کرده اند:

### دلیل اول:

دلیل اول را مطرح کردیم و خلاصه‌ی آن دلیل این بود، که ادله‌ی مسافت ثمانیه فراسخ در شرطیت برای حد تقصیر اینها ظهور در 8 فرسخ امتدادی دارند؛ ما از این ظهور به اندازه‌ی دلیلی که وارد شده است دست بر می داریم دلیل، ذهابا برید و ایابا، برید است و بیش از این دلیلی نداریم و بیش از این؛ از دلیل ثمانیه فراسخ امتدادی نمی توانیم نتیجه‌ای را بدست بیاوریم، پس نتیجه این می شود که یا باید 8 فرسخ امتدادی باشد یا 8 فرسخ به این شکل که ذهابا برید و ایابا برید باشد.

## جواب اول:

در جلسه قبل به جواب اول از این دلیل، پرداختیم و جواب ما این بود: عکس آنچه می فرمائید صحیح است شما می فرمائید دلیل 8 فراسخ خصوص امتدانی را بیان کرده است و ما از این نایرد ضیق فقط به اندازه بريد ناهبا و بريد ايا با می توانيم توسعه بدهيم، ما عکسش را می گوییم.

و بیان ما این است که آنچه مقتضای ظاهر روایت است عکس مطلب شماست، یعنی ظاهر مطلب این است که دلیل 8 فراسخ است و کلمه امتدان در آن نیامده است و این را شما اضافه کردید توش ثمانیه فراسخ دارند و 8 فراسخ مطلق است و شامل امتدانی و تلفیقی به همه صور میشود.

اینجا در حقیقت عکس مطلب صحیح است چون روایت مطلق است و باید دید آیا روایات بريد ناهبا و بريد جائيا تقیید می زند این اطلاق را به خصوص این صورت؟؟

گفتیم که در روایات بريد ناهبا و بريد ايا چیزی که دال بر نفی اطلاق ادله ی مطلقه باشد وجود ندارد و منافاتی بین تلفیق به این صورت با 8 فراسخ مطلق وجود ندارد تا بخواهد تقیید بزند زیرا، تقیید در جایی است که دلیل مقید با دلیل مطلق معارض و منافی باشد و چون معارض و منافی است و این مورد مقید است و اخص است می گوییم، جمع عرفی اقتضاء می کند این دلیل مقید به دلیل اظهاریت بر ظاهر مقدم شود، چون منافات با آن دارد.

وقتی منافاتی نداشته باشد و مثال زدیم کسی بگوید اکرم العلماء بعد بگوید اکرم زید العالم اینجا منافاتی نیست و لذا این نمی تواند آن را تقیید بزند.

فرموده است: حد التقصیر 8 فراسخ است و بعد فرموده حد التقصیر بريد ناهبا و بريد ايا و این دومی از مصداق 8 فرسخ است و این کجاش 8 فرسخ را تقیید می زند؟ کجاش اطلاق 8 فراسخ را نفی می کند؟ چیزی که دال بر نفی اطلاق او باشد در این وجود ندارد.

ان قلت: در بعضی از روایات بريد ناهبا و بريد جائيا تعبیر ادنی وجود دارد سوال میکند "عن ادنی ما یجب فیه التقصیر"

قلت: این روایاتی هم که مشتمل بر این تعبیر اندنی هستند ظهور در اینکه این اندنی نظر به خصوص برید ناهبا و برید جائیا باشد ندارد و این اندنی همان عبارتی است، که در روایت 8 فرسخ هم می گوید "اندنی" ما یجب فیه التقصیر ثمانيه فراسخ یعنی در مقام بیان اصل حد تقصیر به ثمانيه فراسخ است و اینکه ظهوری نداشته باشد در اینکه اندنی نظر دارد به خصوص اندنای به این شکل که شما بیان فرمودید چنین ظهوری درش نیست. بعداً این نکته را بیشتر توضیح خواهیم داد.

این خلاصه ی جواب ها از استدلال اول است. و بیشتر هم توضیح خواهیم داد.

#### جواب دوم:

جواب دوم ما از این استدلال این است که آن چه اطلاق روایات ثمانيه فراسخ را تاکید می کند، که می فرماید مراد ثمانيه فراسخ است مطلقاً، چه امتدادی و چه تلفیقی و چه تلفیقی برید ناهبا و برید جائیا یا تلفیقی به شکل دیگر صحیح علی بن یقطین است.

11154-16- وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَاقُطٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ يَاقُطٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ فِدَ سَفَرِهِ وَهُوَ فِدَ مَسِيرَةِ يَوْمٍ قَالَ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ (فِدَ) مَسِيرَةِ يَوْمٍ وَ إِنْ كَانَ يَدُورُ فِدَ عَلَيْهِ.<sup>4</sup>

قبلاً متعرض این روایت شدیم و اینکه روایت از لحاظ سندی صحیح است و اشکالی ندارد.

#### توضیح حدیث:

در اینجا مراد امام از این قید وَ إِنْ كَانَ يَدُورُ فِدَ عَلَيْهِ چیست؟

<sup>1</sup> - التهذيب 3- 209- 503، و الاستبصار 1- 225- 799.

<sup>2</sup> - ليس في المصدر.

<sup>3</sup> - في التهذيب- إذا كان.

<sup>4</sup> : وسائل الشيعة ج 8 ص 455

معلومه که مراد از این قید، آن کسی که شغلش سفر باشد نیست، چون اگر شغلش سفر بود که تقصیر نباید بکند بلکه باید کامل بخواند. این قید یعنی اینکه این مسیره یوم را ولو اینکه دور بزند یعنی مسافت نو فرسخ رفت بعد حرکت دورانی کرد و ثمانیه فراسخ تا همین شد اینجا هم تقصیر واجب است. و این روایت کالصریح در این است که مراد از مسیره یومی که در خود روایت آمده همان ثمانیه فراسخ است اعم از ثمانیه فراسخ تلفیقی است یا امتدائی و تلفیقی هم به هر نحو از انواع تلفیق چون یدور فی عمله شامل انواع تلفیق میشوند. این شاهد بر ادعای ما و نفی کنند ادعای مرحوم نائینی و خوئی است.

علاوه بر این روایت؛ مؤید دیگر برای این مسأله صحیح محمد بن مسلم است که میفرماید تلفیق بای نحو کان منظور است.

11165-9-<sup>5</sup> وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ قُضَّالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ رِثَاةٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُ عَنْ التَّقْصِيرِ قَالَ فِدْ بِرِيدٍ قَالَ قُلْتُ: بَرِيدٌ قَالَ إِنَّهُ إِذَا نَهَبَ بَرِيداً وَرَجَعَ بَرِيداً فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ.<sup>6</sup>

شاهد بحث ما در ذیل روایت است که می فرماید: فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ

ما که می گوئیم شاهد فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ است نه به عنوان اینکه فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ بیان علت است و اینکه روایت در مقام تعلیل است پس ملاک مسافتی است که درش شغل یوم باشد و این چون مطلق است و شامل هر نوع از انواع مسافت شغل یومی ولو تلفیقی به انواع مختلف می شود... نه ما این را نمی گوئیم چون این مطلب را میرزای نائینی رد کرده است و می فرمایند: این قید فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ بیان حکمت تشریح است و بیان علت نیست (آنچه بیان حکمة التشریح و جعل القصر...) اینکه حضرت فرموده بَرِيداً و بَرِيداً و بَرِيداً جاثیا فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ این فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ بیان علت جواز مسافت تلفیقی نیست تا گفته بشود این منصوص العله است و العله تَوْسِع و تَعْمِيم و تَضْيِيق بلکه این بیان حکمت است.

<sup>5</sup> - التهذيب 4 - 224 - 658.

<sup>6</sup> : وسائل الشیعه ج 8 ص 459

صرف نظر از این ادعای میرزا و اینکه این ادعای ایشان تا چه حد درست است کار نداریم بلکه تمسک ما به این جهت نیست یعنی تمسک ما، به روایت بر اساس این نیست که ادعا کنیم قید **فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ** ظهور در تعلیل دارند بلکه منظور ما این است که این فاء که بر این قید **فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ** در آمده فاء تفریع است و این فاء تفریع با قید **فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ** ظهور می دهد که این ذهب بریدا و رجع بریدا مصداق شغل یوم است. و اینکه از باب مثال است نه از باب موضوعیت.

این ذهب بریدا و رجع بریدا اگر خون ذهب بریدا و رجع بریدا در وجوب تقصیر موضوعیت داشت که باید به این اندازه رفت و برگشت بشود دیگر نیازی به قید **فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ** نبود اینکه می فرماید ذهب بریدا و رجع بریدا **فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ** این عبارت ظهور در این دارد که این ذهب بریدا و رجع بریدا چون مصداق **فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ** است پس موجب تقصیر صلاحه می شود.

پس ملاک همان ثمانیه فراسخ است که با **فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ** بهش اشاره شده است. حضرت می خواهد بفرماید که این ذهب بریدا و رجع بریدا آن 8 فرسخ را تا مین می کند و لذا تقصیر واجب است پس ملاک 8 فرسخ است نه خصوص ذهب بریدا و رجع بریدا. می خواهیم بگوئیم این روایت ظهور دارند در اینکه آنچه اساس است همان **فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ** است که در روایات دیگر به ثمانیه فراسخ تحدید شده است.

پس این روایت هم ظهور دارند در اینکه ذهب بریدا و رجع بریدا این چون مصداق ثمانیه فراسخ است و چون ثمانیه فراسخ را محقق می کند و چون **فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ** محقق می کند، فلذا موجب تقصیر می شوند نه اینکه موضوعیت داشته باشد که رفت یک برید و برگشت یک برید باشد اگر این موضوعیت داشته باشد دیگر نیازی به **فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ** نبود.

پس از این ناحیه به این روایت استناد می کنیم نه از ناحیه تعلیل تا فرمایش میرزا وارد نشود. ما از ناحیه تعلیل ادعا نمی کنیم چون ممکن است ظهور خیلی روشنی در تعلیلی نداشته باشد. اما این فاء که **فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ** را بر ذهب بریدا و رجع بریدا تفریع کرده است این ظهور دارند در اینکه چون شغل یومه است پس این موجب تقصیر است. یا بگوئید این مثال یا مصداق آن است. و سایر روایات ذهب بریدا و رجع بریدا تاکید می کند که آنها هم به عنوان مصداق ثمانیه فراسخ آمده نه به عنوان موضوعیت ثمانی بریدا و رجوع بریدا، این هم هوید دوم بود

اما اینکه گفته اند ذهب بریدا ورجع بریدا از این باب بوده است که معمول اسفار رفت و برگشت آن در یک خط واحد بوده است لذا امام فرموده که رفت برید و برگشت برید باشد؛ این برای بیان حالت غالبه‌ی سفرهای متعارف بین مردم است نه اینکه امام با این عبارت اراده بکند که خصوص حد برید در رفتن و برگشتن در وجوب تقصیر موضوعیت نداشته باشد.

پس این دلیل اول ایشان که از اساس، درست نیست.

#### دلیل دوم:

دلیل دوم روایاتی است که در آنها این تعبیر آمده که از امام سوال شده از "اننی ما یقصر فیہ الصلاه" و بعد امام در جواب می فرماید "اربعه ذهابا واربعة ایابا" که این دلالت دارد بر اختصاص وجوب قصر بها اذا کان کل من الذهاب و الایاب بریدا چون هیچگاه اننی؛ این دلیل را هم ما معتقدیم که درست نیست و مبتلی به اشکالاتی است:

#### اشکال اول:

معلوم نیست که اننی که می گوید نظر به خصوص برید ذهاب و برید ایاب داشته باشد بلکه ظاهراً نظر دارد به همان 8 فرسخی که این ایاب و ذهاب آنرا محقق می کند اینکه میگوید "اننی ما یجب التقصیر برید ذاهبا و برید ایابا" این نظر به این دارد که اینها در مجموع 8 فرسخ است و این اننی ما یجب التقصیر است اما اینکه شما اننی را بنزید به خصوص اینکه ذهاب یک برید باشد و ایاب یک برید باشد ظهوری در این نیست.

**شاهد:** شاهد ما بر این مطلب که این اننی به ثمانیه فراسخ می خورد نه اننی به خصوص این نحوه از تلفیقیه روایتی است که از نظر ما سندش هم صحیح است موثقه اسحاق بن عمار است.

11185-10<sup>7</sup> وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمٍ الْجَبَلِيِّ عَنْ صَبَاحِ الْحَدَّاءِ عَنْ إِسْحَاقَ

بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ<sup>8</sup> ع عَنْ قَوْمٍ خَرَجُوا فِي سَفَرٍ فَلَمَّا انْتَهَوْا إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ فِيهِ التَّقْصِيرُ قَصَرُوا مِنَ الصَّلَاةِ فَلَمَّا صَارُوا عَلَى فَرَاسِخَيْنِ أَوْ عَلَى ثَلَاثَةِ فَرَاسِخٍ أَوْ أَرْبَعَةٍ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ رَجُلٌ لَا يَسْتَقِيمُ لَهُمْ سَفَرُهُمْ إِلَّا بِهِ فَأَقَامُوا يَنْتَظِرُونَ مَجِيئَهُ إِلَيْهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَقِيمُ لَهُمْ السَّفَرُ إِلَّا بِمَجِيئِهِ إِلَيْهِمْ فَأَقَامُوا عَلَى ذَلِكَ لِيَأْمَأَ لَا يَدْرُونَ هَلْ يَمْضُونَ فِي سَفَرِهِمْ أَوْ يَنْصَرِفُونَ هَلْ يَنْبَغِدُ لَهُمْ أَنْ يَتِمُّوا الصَّلَاةَ أَمْ يَقِيمُوا عَلَى تَقْصِيرِهِمْ قَالَ إِنْ كَانُوا بَلَغُوا مَسِيرَةَ أَرْبَعَةِ فَرَاسِخٍ فَلْيَقِيمُوا عَلَى تَقْصِيرِهِمْ أَقَامُوا أَمْ أَنْصَرَفُوا وَإِنْ كَانُوا سَارُوا أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعَةِ فَرَاسِخٍ فَلْيَتِمُّوا الصَّلَاةَ قَامُوا أَوْ أَنْصَرَفُوا فَإِذَا مَضَوْا فَلْيَقْصُرُوا.<sup>10</sup>

این روایت را مرحوم کلینی نقل می کند مرحوم صدوق هم این روایت را با یک تکمله ای بیان می کنند که این سند صدوق هم به این تکمله صحیح است تکمله این است که:

11186-11<sup>11</sup> وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ فِيهِ الْعِلَلُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ السَّعْدِ أَتَابِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكَوْفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمٍ نَحْوَهُ وَ زَادَ قَالَ ثُمَّ قَالَ هَلْ تَذِي كَيْفَ صَارَ هَكَذَا قُلْتُ لَا قَالَ لَنْ التَّقْصِيرِ قَدْ تَرِيدِينَ وَلَا يَكُونُ التَّقْصِيرُ فِي أَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ فَإِذَا كَانُوا قَدْ سَارُوا بِرِيدٍ وَأَرَادُوا أَنْ يَنْصَرِفُوا كَانُوا قَدْ سَافَرُوا سَفَرِ التَّقْصِيرِ وَإِنْ كَانُوا سَارُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ ثُمَّ يَكُنْ لَهُمْ إِلَّا أَنْهَامُ الصَّلَاةِ قُلْتُ أَلَيْسَ قَدْ بَلَغُوا الْمَوْضِعَ الَّذِي لَا يَسْمَعُونَ فِيهِ أَذَانَ مِصْرِهِمْ الَّذِي خَرَجُوا مِنْهُ قَالَ بَلَى إِنَّهَا قَصَرُوا فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ لِأَنَّهُمْ لَمْ يَشْكُوا فِي مَسِيرِهِمْ وَإِنَّ السَّيْرَ يُجِدُّ بِهِمْ فَلَمَّا جَاءَتِ الْعِلَّةُ فِي مَقَامِهِمْ دُونَ النَّبْرِ يَدِ صَارُوا هَكَذَا.<sup>12</sup>

<sup>7</sup> - الكافي 3- 433- 5.

<sup>8</sup> - في علل الشرائع زيادة- موسى بن جعفر "هامش المخطوط".

<sup>9</sup> - في نسخة زيادة- علي "هامش المخطوط".

<sup>10</sup> : وسائل الشيعه ج 8 ص 467

<sup>11</sup> - علل الشرائع- 367- 1، و قد ورد الحديث بالسند الأول.

<sup>12</sup> : وسائل الشيعه ج 8 ص 467



وَرَوَاهُ الْبَرْقَعِيُّ فِي الْمَخَاسِنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمٍ مِثْلَهُ مَعَ الزِّيَادَةِ<sup>13</sup>.

پس شاهد در روایت این است که اول امام می فرمایند **لَنْ تُقْصِرَ لَهُ بِرِيدَيْنِ وَلَا يَكُونُ التَّقْصِيرُ قَدْ أَقْلَ مِنْ ذَلِكَ**

امام همان لا یكون اقل من ذلك را تطبیق بر شهاب برید و ایاب برید نمود پس این از مصداق لا یكون اقل من ذلك است. پس ظاهرش این است که آن روایتی که می گوید ادنی ما یجب قیة التقصیر برید شهاب و برید ایابا همین حرف را می خواهد بزند یعنی ادنی ما یجب قیة التقصیر چون بریدین است لذا شهاب برید و ایاب برید این هم بریدین می شوند نه اینکه بخواند بگوید خصوص رفت باید 4 فرسخ باشد و برگشت هم باید 4 فرسخ باشد و اگر کمتر بود دیگر تقصیر ثابت نیست روایت نظری به این خصوصیت ندارد بلکه نظر به خصوصیت 8 فرسخ دارد و این ادنی نظر به همین دارد.

#### اشکال دوم:

اصلاً این چه فرمایشی است که می فرمائید روایات ثمانیه فراسخ روایاتی است که در خصوص ثمانیه امتدادی ظهور دارد و روایات شهاب برید و ایاب برید حکومت دارد و روایات ثمانیه فراسخ را تفسیر می کند این فرمایش درست نیست. روایات ثمانیه فراسخ هم ادنی دارد.

جناب میرزا گفت روایات ثمانیه فراسخ ظهور در امتدادی دارد بعد هم می گوید این خصوص امتدادی لا یكون اقل من ذلك و لا اکثر بعد روایت برید هم می گوید لا اقل من ذلك خوب اینها با هم تعارض دارند و لسان، لسان حکومت و تفسیر نیست و باید قواعد باب تعارض را جاری کنید نه باب حکومت را به بیان دیگر این چه حکومتی است، هر دو لا یكون اقل من ذلك دارد و آن هم که شما میگویید ظهور در خصوص امتدادی دارد، اگر بگوئید خصوص امتدادی نیست و اطلاق دارد و حرف ما را بزنید این از تعارض بیرون است و همان حرفی است که ما می زنیم اما شما که می گوئید ظهور در خصوص ثمانیه امتدادی دارد این حکومت نیست و تعارض است، این مسأله را بیشتر توضیح خواهیم داد.



